



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Presenting a structural-interpretative model of tax efficiency in the tax system of coastal regions of Iran: a combined ISM-SEM approach

Faizullah Asadi Shooki¹, Farshad Sameni Keivani*², Elmira Mashayekhi Nezamabadi³

¹ Department of Industrial Management, Qa. C., Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

² Department of Accounting Department, RoA. C., Islamic Azad University, Roudsar and Amlash, Iran,

³ Department of Industrial Management, Qa. C., Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 2025/08/4

Revised: 2026/05/4

Accepted: 2026/03/6

Keywords:

Tax efficiency, financial indicators, interpretive structural modeling (ISM), structural equation modeling (SEM), tax system of coastal regions of Iran.

*Corresponding author:

✉ Farshad.sameni@iau.ac.ir

Doi: [10.52547/joc.16.64.7](https://doi.org/10.52547/joc.16.64.7)

ORID:

ABSTRACT

Background and Objectives: The aim of this paper is to present a structural model to explain the relationships between financial indicators and tax efficiency in the financial system of the country's coastal regions.

Methods: The present study was conducted using the interpretive structural modeling (ISM) and structural equation modeling (SEM) methods, and its data was collected through interviews with 18 experts and questionnaires completed by 388 tax experts.

Findings: The results of the ISM model show that indicators such as tax revenues, capital structure, corporate profitability, administrative costs of the tax system, and effective tax rate are placed in a six-level structure in which "tax rate and base indicators" are the most influential factors at the base level and "productive tax revenues" are the most influential factor at the top level of the model. SEM analysis also confirms significant relationships between different levels of the model.

Conclusion: By providing a structured model, this research helps decision-makers in the field of tax policymaking in coastal regions to enhance the effectiveness and efficiency of the tax system by strengthening key factors.



NUMBER OF TABLES

2



NUMBER OF FIGURES

1



NUMBER OF REFERENCES

22

مقاله پژوهشی

ارائه مدل ساختاری-تفسیری بهره‌وری مالیاتی در نظام مالیاتی مناطق ساحلی ایران: رویکرد ترکیبی ISM-SEM

فیض اله اسدی شوکی^۱، فرشاد ثامن کیوانی^{۲*}، المیرا مشایخی نظام آبادی^۳^۱ گروه مدیریت صنعتی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.^۲ گروه حسابداری، واحد رودسر و املش، دانشگاه آزاد اسلامی، رودسر، ایران.^۳ گروه مدیریت صنعتی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

اطلاعات مقاله

چکیده

پیشینه و اهداف: هدف این مقاله ارائه مدلی ساختاری جهت تبیین روابط میان شاخص‌های مالی و بهره‌وری مالیاتی در نظام مالی مناطق ساحلی کشور است.

روش‌ها: پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش مدل‌سازی تفسیری ساختاری (ISM) و معادلات (SEM) انجام شده و داده‌های آن از طریق مصاحبه با ۱۸ نفر از خبرگان و تکمیل پرسش‌نامه توسط از کارشناسان مالیاتی گردآوری شده است.

یافته‌ها: نتایج مدل ISM نشان می‌دهد که شاخص‌هایی نظیر درآمدهای مالیاتی، ساختار سرمایه، سودآوری شرکت‌ها، هزینه‌های اجرایی نظام مالیاتی، و نرخ مؤثر مالیاتی در یک ساختار شش‌سطحی قرار می‌گیرند که در آن «شاخص‌های نرخ و پایه مالیاتی» به عنوان تأثیرگذارترین عوامل در سطح پایه و «درآمدهای مالیاتی بهره‌ور» به عنوان تأثیرپذیرترین عامل در سطح بالای مدل قرار دارند. تحلیل SEM نیز روابط معناداری را بین سطوح مختلف مدل تأیید می‌کند.

نتیجه‌گیری: این پژوهش با ارائه الگویی ساختاریافته، به تصمیم‌گیران در حوزه سیاست‌گذاری مالیاتی مناطق ساحلی کمک می‌کند تا با تقویت عوامل کلیدی، اثربخشی و بهره‌وری نظام مالیاتی را ارتقا دهند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۵/۱۳

تاریخ بازبینی: ۱۴۰۵/۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۵

واژگان کلیدی:

بهره‌وری مالیاتی، شاخص‌های مالی،

مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (ISM)،

مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)،

نظام مالیاتی مناطق ساحلی ایران.

*نویسنده مسئول

✉ Farshad.sameni@iau.ac.ir

Doi: 10.52547/joc.16.64.7

ORID:

مقدمه

در بلندمدت آن‌ها را تقویت می‌کند، به تخصیص کارآمد منابع کمک کرده، توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد و رضایت‌مندی شهروندان را افزایش می‌دهد. در ایران، حرکت به سمت یک نظام مالیاتی بهره‌ور با اهداف کلان اقتصادی مانند کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، رعایت عدالت اجتماعی و تثبیت اقتصادی گره خورده است. با این حال، تحقق این هدف با چالش‌هایی جدی مانند پیچیدگی قوانین، فرهنگ مالیاتی ضعیف، رشد اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی مواجه است.

۲.۲ شاخص‌های مالی و ارتباط آن با نظام مالیاتی

شاخص‌های مالی (Financial Indicators) سنجه‌های کلیدی برای ارزیابی وضعیت فعلی و پیش‌بینی آینده اقتصادی هستند. این شاخص‌ها که با فراوانی زیاد و به صورت به‌موقع در دسترس هستند، انتظارات بازار را منعکس کرده و می‌توانند به طور مستقیم بر تصمیمات سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و در نهایت عملکرد شرکت‌ها تأثیر بگذارند. در زمینه مالیات، شاخص‌های مالی از دو منظر اهمیت دارند:

۱. **از دیدگاه شرکت‌ها:** شاخص‌هایی مانند ساختار سرمایه، جریان نقدی و سودآوری، مبنای محاسبه تعهدات مالیاتی آن‌ها هستند. مدیران تلاش می‌کنند با مدیریت این شاخص‌ها و استفاده از برنامه‌ریزی مالیاتی، بار مالیاتی شرکت را به حداقل برسانند.

۲. **از دیدگاه دولت:** این شاخص‌ها نشان‌دهنده سلامت بخش خصوصی و پایه بالقوه مالیاتی هستند. سیاست‌گذار می‌تواند با تحلیل این شاخص‌ها، تأثیر سیاست‌های خود را ارزیابی کرده و اصلاحات لازم را برای افزایش بهره‌وری مالیاتی اعمال کند.

۲.۳ پیشینه پژوهش و خلاء تحقیقاتی

پژوهش‌های متعددی در داخل و خارج از کشور به بررسی عوامل مؤثر بر نظام مالیاتی پرداخته‌اند. مطالعات خارجی بر موضوعاتی مانند تأثیر فناوری اطلاعات بر کاهش فرار مالیاتی (Uyar et al., 2021)، نقش رفتار اخلاقی و قدرت حسابرسی (Benkraiem et al., 2021)، و مدل‌سازی ریسک‌های مالیاتی در شرکت‌های چندملیتی (Lasloom & Grigorieva, 2022) تمرکز داشته‌اند. در داخل کشور نیز پژوهشگرانی به بررسی عواملی چون ارتباطات سیاسی و فرار مالیاتی (خوشکار و همکاران، ۱۴۰۱)، دلایل شکاف مالیاتی (یاراحمدی و همکاران، ۱۴۰۰) و تأثیر مالیات بر بهره‌وری صنایع (طالعی اردکانی، ۱۳۹۹) پرداخته‌اند.

با وجود این پژوهش‌های ارزشمند، خلاء اصلی در عدم وجود یک مدل جامع و ساختاری است که روابط سلسله‌مراتبی میان شاخص‌های مختلف مالی و بهره‌وری مالیاتی را با یک رویکرد ترکیبی و در بستر اقتصاد ایران تبیین کند. اغلب تحقیقات به صورت پراکنده به روابط دوتایی متغیرها پرداخته‌اند. این پژوهش قصد دارد با استفاده همزمان از روش ISM برای ساختاردهی

مالیات به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌گذاری اقتصادی، نقشی حیاتی در تأمین منابع مالی دولت و جهت‌دهی به رفتار فعالان اقتصادی ایفا می‌کند. در سال‌های اخیر، تمرکز از صرفاً «میزان» درآمدهای مالیاتی به «بهره‌وری» نظام مالیاتی تغییر یافته است. بهره‌وری مالیاتی به معنای توانایی یک نظام در گردآوری حداکثر درآمدهای ممکن با کمترین هزینه اجرایی و کمترین آثار منفی بر رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی است. در شرایطی که اقتصاد ایران با چالش‌هایی نظیر وابستگی به درآمدهای نفتی و ضرورت توسعه پایدار روبروست، طراحی یک نظام مالیاتی کارآمد و بهره‌ور نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت استراتژیک محسوب می‌شود.

شاخص‌های مالی، به عنوان معیارهای کمی، این امکان را فراهم می‌آورند تا عملکرد مالیاتی دولت و بنگاه‌ها به شکلی دقیق‌تر تحلیل شود. شاخص‌هایی مانند نرخ مؤثر مالیات، ساختار سرمایه، جریان نقدی و سودآوری شرکت‌ها، می‌توانند تصویری روشن از سلامت مالی اقتصاد و تأثیر سیاست‌های مالیاتی بر آن ارائه دهند. با این حال، یکی از چالش‌های پژوهشی مهم، عدم وجود یک چارچوب یکپارچه و ساختارمند است که بتواند روابط پیچیده و پویای میان این شاخص‌ها و هدف نهایی یعنی «بهره‌وری مالیاتی» را مدل‌سازی کند. پژوهش‌های موجود اغلب به صورت گسسته به بررسی تأثیر یک یا چند عامل بر درآمدهای مالیاتی پرداخته‌اند و کمتر تحقیقی به ارائه یک مدل سلسله‌مراتبی و جامع از این روابط در بستر اقتصاد ایران پرداخته است.

مسئله اصلی این تحقیق، پاسخ به این پرسش کلیدی است که مدل مالیاتی بهره‌ور با تأکید بر شاخص‌های مالی چگونه ساختاربندی می‌شود و روابط علی میان اجزای آن کدامند؟ برای پاسخ به این پرسش، این پژوهش با یک رویکرد ترکیبی (آمیخته)، ابتدا با استفاده از دانش خبرگان و روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (ISM)، یک مدل مفهومی از عوامل مؤثر بر بهره‌وری مالیاتی و سطوح تأثیرگذاری آن‌ها طراحی می‌کند. سپس، با بهره‌گیری از داده‌های کمی و روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)، روابط شناسایی شده در مدل را مورد آزمون آماری قرار می‌دهد. هدف کلی این پژوهش، ارائه یک مدل جامع، ساختاریافته و آزمون‌شده برای بهره‌وری مالیاتی است که بتواند به عنوان یک نقشه راه برای سیاست‌گذاران، مدیران مالیاتی و پژوهشگران این حوزه مورد استفاده قرار گیرد.

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲.۱ مالیات بهره‌ور

مفهوم مالیات بهره‌ور (Productive Tax) فراتر از صرف وصول درآمد برای دولت است. یک نظام مالیاتی بهره‌ور، سیستمی است که به خوبی طراحی شده، می‌تواند ضرر و زیان‌های ناشی از ناکارایی را به حداقل رسانده و رشد اقتصادی را تقویت کند. آدام اسمیت، چهار شرط کلیدی عدالت، مشخص بودن، سهل‌الوصول بودن و صرفه‌جویی را برای یک نظام مالیاتی ایده‌آل برمی‌شمرد. در تئوری‌های نوین مالیه عمومی، نظام مالیاتی مطلوب یا بهینه، نظامی است که نه تنها به فعالیت‌های مولد اقتصادی آسیب نمی‌رساند، بلکه

(تحلیل MICMAC) برای دسته‌بندی عوامل به چهار گروه خودمختار، وابسته، پیوندی و مستقل ترسیم گردید.

۳.۲ مرحله کمی: مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)

- **جامعه و نمونه آماری:** جامعه آماری این بخش کلیه کارشناسان مالیاتی شاغل در ادارات مالیاتی استان‌های کشور بودند. با توجه به نامشخص بودن حجم دقیق جامعه، بر اساس جدول مورگان، حجم نمونه حداکثری یعنی ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد. تعداد ۴۰۰ پرسشنامه به روش تصادفی ساده توزیع گردید که از این میان، ۳۸۸ پرسشنامه کامل و قابل تحلیل به دست آمد.
- **ابزار گردآوری داده‌ها:** ابزار اصلی در این مرحله، پرسشنامه محقق ساخته بود که بر اساس ابعاد و عوامل شناسایی شده در مدل ISM طراحی شد. سوالات پرسشنامه با استفاده از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت تنظیم شدند.
- **روایی و پایایی:** روایی محتوایی پرسشنامه از طریق کسب نظر از اساتید راهنما، مشاور و خبرگان مالیاتی تأیید شد. برای سنجش پایایی نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج نشان داد که ضریب آلفا برای تمامی سازه‌های پژوهش بالاتر از ۰.۷ است که پایایی مطلوب ابزار را تأیید می‌کند (جدول ۱).

جدول ۱: نتایج ضریب آلفای کرونباخ سازه‌های پژوهش

متغیرها	آلفای کرونباخ
شاخص‌های نرخ و پایه مالیاتی	0.834
شاخص‌های کارایی اجرایی	0.739
شاخص‌های مشوق‌محور	1.000
شاخص‌های تأثیرگذار بر رفتار شرکت‌ها	0.816
شاخص‌های فعالیت اقتصادی (تغییر یافته به کالن)	0.766
شاخص‌های درآمدی	1.000

- **روش تجزیه و تحلیل:** با توجه به اینکه توزیع داده‌ها بر اساس آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف غیرنرمال تشخیص داده شد، برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS) و با استفاده از نرم‌افزار Smart-PLS استفاده گردید.

به دانش خبرگان و روش SEM برای آزمون کمی مدل، این خلاء تحقیقاتی را پر کند.

روش پژوهش

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، اکتشافی-توصیفی است. برای دستیابی به اهداف پژوهش، از روش تحقیق ترکیبی (آمیخته) از نوع اکتشافی استفاده شده است. در این طرح، ابتدا در مرحله کیفی، عوامل مؤثر بر بهره‌وری مالیاتی از طریق مصاحبه با خبرگان شناسایی و با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (ISM) ساختار بندی شدند. سپس در مرحله کمی، روابط شناسایی شده در مدل، در قالب یک پرسشنامه به نظرسنجی گذاشته شد و با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) مورد تحلیل قرار گرفت.

۳.۱ مرحله کیفی: مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (ISM)

روش ISM یک رویکرد تحلیلی برای ساختاردهی به عناصر یک سیستم پیچیده و شناسایی روابط متقابل میان آنهاست. این روش به ویژه برای تبدیل نظرات و دانش ذهنی خبرگان به یک مدل ساختاری و قابل درک، کاربرد دارد.

- **جامعه و نمونه آماری:** جامعه آماری این بخش کلیه خبرگان مالیاتی در سازمان‌های مالیاتی کشور بودند که دارای پست مدیریتی و مدرک تحصیلی دکتری هستند. نمونه‌گیری به روش گلوله برفی انجام شد و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت که در نهایت ۱۸ نفر از خبرگان در فرآیند مصاحبه و تکمیل ماتریس‌های ISM مشارکت کردند.

- **گردآوری داده‌ها و تحلیل:** ابتدا از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و مرور مبانی نظری، عوامل کلیدی مؤثر بر بهره‌وری مالیاتی شناسایی شدند. روایی این عوامل با استفاده از شاخص نسبت روایی محتوا (CVR) و با کسب نظر از خبرگان تأیید شد. سپس، این عوامل در قالب یک ماتریس خودتعاملی ساختاری (SSIM) به خبرگان ارائه شد تا روابط زوجی میان آن‌ها را بر اساس چهار حالت (تأثیرگذاری یک‌طرفه، تأثیرپذیری یک‌طرفه، تأثیر متقابل، بی‌ارتباطی) مشخص کنند. بر اساس منطق مد در فراوانی‌ها، ماتریس نهایی تجمیع و به ماتریس دسترسی اولیه (صفر و یک) تبدیل شد. پس از بررسی سازگاری و انتقال‌پذیری، ماتریس دسترسی نهایی به دست آمد و با تحلیل آن، عوامل در سطوح مختلف سلسله‌مراتبی طبقه‌بندی شدند. در نهایت، نمودار قدرت نفوذ و وابستگی

۳. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴,۱ یافته‌های مرحله کیفی (مدل ISM)

پس از شناسایی و تأیید روایی ۱۴ عامل کلیدی، تحلیل ISM منجر به ایجاد یک مدل ساختاری شش‌سطحی برای بهره‌وری مالیاتی گردید. خلاصه سطح‌بندی عوامل در جدول ۲ و مدل نهایی در شکل ۱ ارائه شده است.

جدول ۲: سطح‌بندی نهایی عوامل در مدل ISM

سطح	ابعاد (عوامل)
سطح ۱ (تأثیرپذیرترین)	شاخص‌های درآمدی (درآمدهای مالیاتی بهره‌ور)
سطح ۲	شاخص‌های فعالیت اقتصادی (مالیات بر سرمایه‌گذاری، رقابت‌پذیری، نوآوری)
سطح ۳	شاخص‌های تأثیرگذار بر رفتار شرکت‌ها (مالیات بر سودآوری، جریان نقدی، ساختار سرمایه، توزیع سود)
سطح ۴	شاخص‌های مشوق محور (شوق‌های مالیاتی)
سطح ۵	شاخص‌های کارایی اجرایی (هزینه‌های اجرایی مالیات، نرخ فرار مالیات)

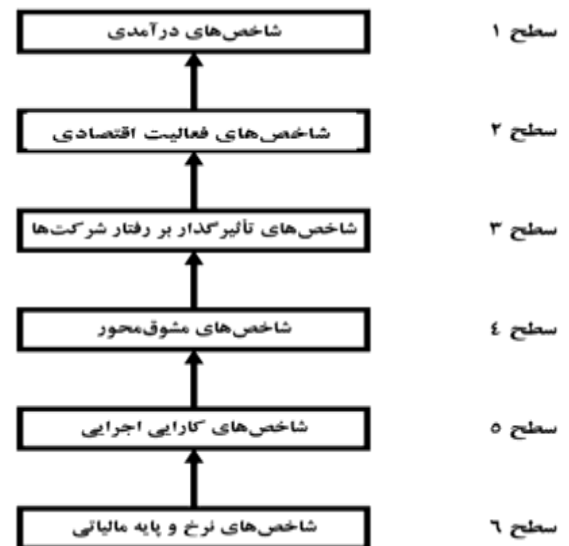
تحلیل MICMAC: تحلیل قدرت نفوذ و وابستگی (MICMAC) نیز یافته‌های سطح‌بندی را تأیید کرد:

- **عوامل مستقل (نفوذ):** شاخص‌های نرخ و پایه مالیاتی، شاخص‌های کارایی اجرایی و شاخص‌های مشوق محور در این ناحیه قرار گرفتند. این عوامل دارای قدرت نفوذ بالا و وابستگی کم هستند و به عنوان محرک‌های اصلی سیستم عمل می‌کنند.
- **عوامل پیوندی:** شاخص‌های تأثیرگذار بر رفتار شرکت‌ها در این ناحیه قرار گرفتند که هم قدرت نفوذ و هم وابستگی بالایی دارند و نقشی حیاتی در انتقال اثرات از سطوح پایین به بالا ایفا می‌کنند.
- **عوامل وابسته:** شاخص‌های فعالیت اقتصادی و شاخص‌های درآمدی در این ناحیه قرار دارند که دارای وابستگی بالا و نفوذ کم هستند و به عنوان نتایج یا خروجی‌های سیستم شناخته می‌شوند.

۴,۲ یافته‌های مرحله کمی مدل (SEM)

بر اساس مدل مفهومی استخراج شده از ISM، فرضیه‌های زیر تدوین و با استفاده از PLS-SEM آزمون شدند:

- **H1:** شاخص‌های نرخ و پایه مالیاتی بر شاخص‌های کارایی اجرایی تأثیر معناداری دارد.
- **H2:** شاخص‌های کارایی اجرایی بر شاخص‌های مشوق محور تأثیر معناداری دارد.
- **H3:** شاخص‌های مشوق محور بر شاخص‌های تأثیرگذار بر رفتار شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.
- **H4:** شاخص‌های تأثیرگذار بر رفتار شرکت‌ها بر شاخص‌های فعالیت اقتصادی تأثیر معناداری دارد.
- **H5:** شاخص‌های فعالیت اقتصادی بر شاخص‌های درآمدی تأثیر معناداری دارد.



شکل ۱: مدل نهایی ساختاری-تفسیری بهره‌وری مالیاتی

این مدل نشان می‌دهد که «شاخص‌های نرخ و پایه مالیاتی» به عنوان بنیادی‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل، در پایین‌ترین سطح قرار دارند و هرگونه تغییر در آن‌ها به صورت آبشاری بر سطوح بالاتر اثر می‌گذارد. در نهایت، تمام این عوامل بر «درآمدهای مالیاتی بهره‌ور» که در بالاترین سطح قرار دارد، تأثیر می‌گذارند.

ارزیابی مدل اندازه‌گیری: نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که مدل‌های اندازه‌گیری از برازش مناسبی برخوردارند. مقادیر پایایی ترکیبی (CR) برای تمام سازه‌ها بالاتر از ۰,۸۷ و میانگین واریانس استخراجی (AVE) برای تمام سازه‌ها بالاتر از ۰,۶۴ بود که نشان‌دهنده پایایی و روایی

(سطح ۱)، نمی‌توان به صورت مستقیم و مجزا عمل کرد. این هدف، نتیجه یک زنجیره علی است که از بنیادی‌ترین ابزارهای سیاست‌گذاری، یعنی شاخص‌های نرخ و پایه مالیاتی (سطح ۶)، آغاز می‌شود. طراحی مناسب نرخ‌های اسمی و مؤثر و تعریف یک پایه مالیاتی گسترده و عادلانه، پیش‌شرط اصلی برای بهبود کارایی اجرایی نظام مالیاتی (سطح ۵) است. زمانی که قوانین پایه شفاف و کارآمد باشند، هزینه‌های اجرایی کاهش یافته و انگیزه برای فرار مالیاتی کمتر می‌شود. این یافته با نتایج تحقیقاتی که بر اهمیت سادگی و شفافیت قوانین مالیاتی در کاهش فرار مالیاتی تأکید دارند، همسو است. (Dularif et al., 2019)

بهبود کارایی اجرایی، به نوبه خود، بستر را برای اثربخشی مشوق‌های مالیاتی (سطح ۴) فراهم می‌کند. مشوق‌ها در یک سیستم ناکارآمد و پر از فرار مالیاتی، به اهداف خود نخواهند رسید. مشوق‌های هدفمند، بر تصمیمات و رفتار شرکت‌ها (سطح ۳) در زمینه‌هایی چون سرمایه‌گذاری، مدیریت جریان نقدی و ساختار سرمایه تأثیر مثبت می‌گذارند. این رفتار بهینه شرکت‌ها، منجر به تقویت فعالیت‌های اقتصادی مولد (سطح ۲) مانند سرمایه‌گذاری‌های جدید، نوآوری و افزایش رقابت‌پذیری می‌شود و در نهایت، این رشد و پویایی اقتصادی است که به افزایش پایدار و بهره‌ور درآمدهای مالیاتی منجر می‌گردد. نتایج تحلیل SEM نیز این زنجیره علی را به طور کامل از نظر آماری تأیید کرد و نشان داد که هر سطح به طور معناداری بر سطح بعدی خود تأثیرگذار است. این ساختار سلسله‌مراتبی، اهمیت نگاه سیستمی و یکپارچه به اصلاحات مالیاتی را برجسته می‌سازد و نشان می‌دهد که اقدامات جزیره‌ای و بدون توجه به پیش‌نیازها، موفقیت‌آمیز نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با موفقیت یک مدل ساختاری-تفسیری برای بهره‌وری مالیاتی در ایران ارائه داد که هم از نظر کیفی (بر اساس دانش خبرگان) و هم از نظر کمی (بر اساس داده‌های آماری) معتبر است. نوآوری اصلی این تحقیق در ارائه یک نقشه راه سلسله‌مراتبی است که نشان می‌دهد سیاست‌گذاران باید تمرکز خود را از معلول (درآمدها) به علت‌ها (عوامل پایه‌ای و ساختاری) معطوف کنند. این مدل تأیید می‌کند که بهره‌وری مالیاتی یک مفهوم چندبعدی و پیچیده است که از تعامل میان سیاست‌های کلان، ساختارهای اجرایی، انگیزه‌های اقتصادی و رفتار بنگاه‌ها شکل می‌گیرد. مهم‌ترین دستاورد این تحقیق، ارائه یک چارچوب عملیاتی برای

همگرایی مطلوب است. همچنین، بر اساس معیار فورنل-لارکر، روایی واگرایی مدل نیز تأیید شد.

ارزیابی مدل ساختاری و آزمون فرضیه‌ها: نتایج آزمون فرضیه‌ها در جدول ۳ خلاصه شده است.

جدول ۳: خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌ها

نتیجه	مقدار t	ضریب مسیر (β)	مسیر	فرضیه
تأیید شد	11.924	0.486	نرخ و پایه مالیاتی > کارایی اجرایی	H1
تأیید شد	8.890	0.397	کارایی اجرایی > مشوق‌محور	H2
تأیید شد	9.076	0.416	مشوق‌محور > رفتار شرکت‌ها	H3
تأیید شد	14.848	0.557	رفتار شرکت‌ها > فعالیت اقتصادی	H4
تأیید شد	11.806	0.488	فعالیت اقتصادی > درآمدی	H5

همانطور که نتایج نشان می‌دهد، تمامی مقادیر t بالاتر از سطح بحرانی ۱٫۹۶ هستند، بنابراین هر پنج فرضیه پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید شدند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که مدل ساختاری ارائه‌شده توسط ISM، از نظر آماری نیز معنادار است و روابط علی میان سطوح به درستی شناسایی شده‌اند.

مقادیر ضریب تعیین (R^2) برای متغیرهای درون‌زای مدل به ترتیب برای کارایی اجرایی (۰٫۲۳۶)، مشوق‌محور (۰٫۱۵۸)، رفتار شرکت‌ها (۰٫۱۷۳)، فعالیت اقتصادی (۰٫۳۱۰) و درآمدی (۰٫۲۳۸) به دست آمد که نشان‌دهنده قدرت تبیین قابل قبول مدل است. همچنین، معیار قدرت پیش‌بینی (Q^2) برای تمام سازه‌های درون‌زا مثبت و قابل قبول بود و شاخص GOF برابر با ۰٫۴۲۵ محاسبه شد که برازش کلی بسیار خوب مدل را تأیید می‌کند.

نتایج و بحث

۱. بحث و نتیجه‌گیری

۵.۱ بحث

این پژوهش با هدف ارائه یک مدل ساختاری برای بهره‌وری مالیاتی در ایران با استفاده از رویکرد ترکیبی ISM-SEM انجام شد. یافته‌های پژوهش منجر به ایجاد یک مدل شش‌سطحی شد که روابط علی و سلسله‌مراتبی میان شاخص‌های مالی و بهره‌وری مالیاتی را به تصویر می‌کشد. مدل ارائه‌شده نشان می‌دهد که برای دستیابی به درآمدهای مالیاتی بهره‌ور

مشارکت نویسندگان

تمرکز نویسنده (فرشاد ثامنی کیوانی) که نویسنده مقاله است نظارت بر انطباق مقاله با فرمت مجله، نگارش و جمع آوری مطالب، ترجمه و ویراستاری مقالات و هماهنگی محتوایی مقاله را نیز بر عهده داشته است.

تشکر و قدردانی (اختیاری)

شایسته است مراتب قدردانی خود را از دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین اعلام دارم.

تعارض منافع

«هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسنده بیان نشده است.»

منابع

[1] Paydarmanesh, Navid; Abbaszadeh, Mohammad Reza; Masihabadi, Abolghasem (2012). Action, motivation and opportunity of tax evasion planning and presenting a new model of corporate tax evasion. *Financial Accounting Science*, 9(2), 128-167.

[2] Khoshkar, Farzin; Hassani, Adele; Hosseini, Seyedeh Mansoureh (2012). Studying the effect of political connections on tax evasion of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Accounting and Management Perspective*.

[3] Sarai, Morteza; Rostami, Vali; Rasek, Mohammad and Dadgar, Yadollah (2011). Mechanism of providing optimal taxation in light of economic policies. *Administrative Law Quarterly*, 9(28), 95-114.

[4] Talei Ardakani, Samaneh (2012). The effect of taxation on the productivity of employees in Iran's manufacturing industries, a study of the Fifth Development Plan (2011-2015). *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 10(40), 123-134.

[5] Alizadeh, Ebrahim; Wakilifard, Hamidreza and Hamidian, Mohsen (2014). Forecasting the financial

سیاست گذاران است تا بتوانند با شناسایی عوامل ریشه‌ای و تأثیرگذار، اصلاحات مالیاتی را به صورت هدفمند و اثربخش طراحی و اجرا نمایند. این مدل می‌تواند به عنوان ابزاری تحلیلی برای ارزیابی سیاست‌های فعلی و طراحی اصلاحات آتی در نظام مالیاتی کشور مورد استفاده قرار گیرد.

۵.۳ پیشنهادات کاربردی

بر اساس یافته‌های مدل، پیشنهادات زیر برای سیاست گذاران ارائه می‌شود:

۱. **تمرکز بر اصلاحات بنیادی (سطح ۶):** بازنگری در نرخ‌های مالیاتی به نفع تولید و گسترش پایه‌های مالیاتی جدید (مانند مالیات بر عایدی سرمایه و مالیات بر مجموع درآمد) باید در اولویت قرار گیرد.

۲. **هوشمندسازی نظام اجرایی (سطح ۵):** سرمایه‌گذاری گسترده در فناوری اطلاعات برای ایجاد یک پایگاه داده یکپارچه، کاهش هزینه‌های وصول و مقابله هوشمند با فرار مالیاتی ضروری است.

۳. **هدفمندسازی مشوق‌ها (سطح ۴):** مشوق‌های مالیاتی باید به جای اعطای عمومی، به صورت هدفمند به بخش‌های دانش‌بنیان، صادرات‌محور و فعالیت‌های منجر به نوآوری اختصاص یابد.

۴. **ایجاد یکپارچگی سیاستی:** لازم است یک کمیته راهبری مشترک میان سازمان امور مالیاتی، بانک مرکزی و وزارت اقتصاد برای هماهنگ‌سازی سیاست‌های پولی، مالی و مالیاتی تشکیل شود تا از اثرات متناقض سیاست‌ها جلوگیری گردد.

۵.۴ محدودیت‌ها و پیشنهادات برای تحقیقات آتی

این پژوهش با محدودیت‌هایی از جمله اتکا به نظرات خبرگان در مرحله کیفی و مقطعی بودن داده‌ها در مرحله کمی مواجه بود. برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود:

- تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی دیگر (مانند تورم و نرخ ارز) به صورت مستقیم در مدل SEM لحاظ شود.
- مدل ارائه‌شده در صنایع و بخش‌های اقتصادی مختلف به صورت جداگانه آزمون شود.
- با استفاده از داده‌های طولی، تأثیرات بلندمدت اصلاحات مالیاتی بر اساس این مدل مورد سنجش قرار گیرد.

- [8] Charles, E., & McLure, J. (2015). *Taxation*. Britannica.
- [9] Dularif, M., Sutrisno, T., Nurkholis, & Saraswati, E. (2019). Is deterrence approach effective in combating tax evasion? A meta-analysis. *Problems and Perspectives in Management*, 17(2), 93-113.
- [10] Lasloom, N. M., & Grigorieva, E. (2022). Financial and tax risks modeling of a multinational company. *International Journal of Business and Economic Development (IJBED)*, 9(2), 73-80.
- [11] Uyar, A., Nimer, K., Kuzey, C., Shahbaz, M., & Schneider, F. (2021). Can e-government initiatives alleviate tax evasion? The moderation effect of ICT. *Technological Forecasting & Social Change*, 166, 120617.
- indicators of companies using meta-heuristic algorithms of conditional mean estimator and genetics. *Knowledge of Investment*, 11(42), 225-245.
- [6] Yarahmadi, Hossein; Taherinia, Masoud; Giouki, Ebrahim; Talebnia, Ghodrattollah (2014). Presenting a model for reducing the gap between declared taxable income and estimated taxable income. *Quarterly Journal of Accounting and Management Auditing Knowledge*, 11(4), 411-430.
- [7] Benkraiem, R., Uyar, A., Kilic, M., & Schneider, F. (2021). Ethical behavior, auditing strength, and tax evasion: A worldwide perspective. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 43, 100387.

AUTHOR(S) BIOSKETCHES

Faizullah Asadi Shooki *Department of Industrial Management, Qa. C., Islamic Azad University, Qazvin, Iran. (INIOAS), Tehran, Iran.*



Farshad Sameni, K., *Department of Accounting Department, RoA. C., Islamic Azad University, Roudsar and Amlash, Iran*



Mashayekhi Nezamabad, E., *Department of Industrial Management, Qa. C., Islamic Azad University, Qazvin, Iran.*



این قسمت توسط نشریه تکمیل می‌گردد:



HOW TO CITE THIS ARTICLE



<http://doi.org/10.52547/joc.16.64.7>



<http://joc.inio.ac.ir/article-1-1873-fa.html>



<https://orcid.org/0000-0002-8311-5238>



COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.